

بسیج در انقلاب مشروطه ایران

نقش نیروهای اجتماعی در حیات سیاسی و اجتماعی عصر مشروطه

دکتر عباس کشاورز شکری

استادیار علوم سیاسی دانشگاه شاهد

احسان فرهادی

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی انقلاب



سرشناسه: کشاورز، شکری، عباس، ۱۳۴۴-

عنوان و نام پدیدآور: بسیج در انقلاب مشروطه ایران: نقش نیروهای

اجتماعی در حیات سیاسی و اجتماعی عصر مشروطه

نویسندگان: عباس کشاورز، شکری، احسان فرهادی

مشخصات نشر: تهران: نشر میزان، ۱۳۹۰

مشخصات ظاهری: ۲۴۰ ص

فروست: نشر میزان، ۵۰۷

شابک: 978-964-511-306-1

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: ایران — تاریخ — انقلاب مشروطه، ۱۳۲۲-۱۳۲۷ ق

— جنبه های جامعه شناختی — علل و منشاء

موضوع: ایران — اوضاع اجتماعی — قرن ۱۳-

رده بندی کنگره: DSR ۵/۱۴۱/۵

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۹۷۵

شماره کتابشناسی ملی: ۷۲۹۲۹۲۲

۵۰۷

نشر میزان

بسیج در انقلاب مشروطه ایران

دکتر عباس کشاورز شکری

احسان فرهادی

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۰

قیمت: ۷۰۰۰ تومان

شمار: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۱-۳۰۶-۱

دفتر مرکزی: خ شهید بهشتی، بعد از تقاطع سهروردی، خ کاوسی فر، کوچه نکیس، پلاک ۳۲، تلفن ۸۸۵۳۹۱۳۱

فروشگاه مرکزی: خ انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، ابتدای خ فخرآزی، پلاک ۸۳، تلفن ۶۶۳۶۷۷۷۰

واحد پخش و فروش: خیابان سمیه، بین مفتح و فرصت، پلاک ۱۰۳، تلفن ۸۸۳۳۹۵۲۹-۳۱

فهرست مطالب

مقدمه	۹
فصل اول: چارچوب نظری تحقیق	
مقدمه	۱۹
الف - چشم انداز بسیج منابع	۲۱
ب - چارلز تیلی و نظریه ی بسیج منابع	۲۲
۱- منافع	۲۷
۲- سازمان	۲۸
۱-۲- گروه های جماعتی (communal group):	۲۹
۲-۲- گروه های انجمنی یا تاسیسی (associational group):	۳۰
۳- بسیج	۳۰
۱-۳- بسیج تدافعی (defensive):	۳۱
۲-۳- بسیج تهاجمی (affensive):	۳۲
۳-۳- بسیج تدارکی (preparatory):	۳۲
۴- کنش جمعی	۳۳
۱-۴- کنش جمعی رقابتی:	۳۵
۲-۴- کنش جمعی واکنشی:	۳۵
۳-۴- کنش جمعی ابتکاری:	۳۵
۵- سرکوب / تسهیل	۳۸
۶- قدرت	۴۲
۷- فرصت / تهدید	۴۶
۸- تیلی و دیدگاه هایش درباره ی انقلاب	۴۹
۱-۸- شرایط انقلابی	۴۹
جمع بندی	۵۲

فصل دوم: منافع گروه‌های مختلف در انقلاب مشروطه

مقدمه	۵۵
الف - تحلیل منافع انقلابیون بر اساس اظهارات و مطالبات آنان در انقلاب مشروطه	۵۶
۱- مطالبات و درخواست‌های متحصنین در حرم عبد العظیم (ع)	۵۶
۲- مطالبات و درخواست‌های متحصنین در قم و سفارت انگلیس	۵۸
ب - تحلیل منافع انقلابیون مبتنی بر موقعیت اجتماعی آنان در انقلاب مشروطه	۶۱
۱- منافع روشنفکران در انقلاب مشروطه	۶۲
۲- منافع تجار در انقلاب مشروطه	۷۲
۳- منافع روحانیت در انقلاب مشروطه	۷۹

فصل سوم: سازمان‌های انقلابی در انقلاب‌های مشروطه

مقدمه	۸۹
الف - جامع آدمیت	۹۳
۱- تشکیلات و سران جامع آدمیت	۹۵
۲- سران نامدار جامع آدمیت	۹۶
۳- اصول، فلسفه‌ی سیاسی و اقدامات سازمانی جامع آدمیت در انقلاب مشروطه	۹۷
ب - انجمن ملی (کمیته انقلابی)	۱۰۰
۱- کمیته انقلاب	۱۰۲
۲- اقدامات و فعالیت‌های انجمن ملی در انقلاب مشروطه	۱۰۵
۱-۲- اعزام نماینده به عتبات	۱۰۵
۲-۲- ایجاد همکاری میان آیت الله بهبهانی و آیت الله طباطبایی	۱۰۶
۳-۲- جلب همکاری تجار با انقلاب مشروطیت در جهت اهداف نهضت	۱۰۶
۴-۲- به میان کشاندن پای سفیر کبیر عثمانی در جهت تحقق اهداف متحصنین حرم	۱۰۷
عبد العظیم (ع) در هجرت صغری	۱۰۷
۵-۲- دخالت مستقیم اعضای انجمن در طرح و تنظیم درخواست‌ها در تحصن حرم	۱۰۷
عبد العظیم (ع)	۱۰۷
۶-۲- تامین هزینه‌ها و مخارج متحصنین در حرم عبد العظیم (ع)	۱۰۸

فهرست مطالب □ ۷

۷-۲- چاپ و نشر اعلامیه و شب نامه میان مردم.....	۱۰۸
پ - انجمن مخفی.....	۱۰۹
۱- اقدامات سازمانی انجمن مخفی.....	۱۱۳
۱-۱- فعالیت های تبلیغی.....	۱۱۳
۲-۱- فعالیت های سیاسی.....	۱۱۴
۳-۱- فعالیت های فرهنگی.....	۱۱۶

فصل چهارم: بسیج انقلابیون در انقلاب های مشروطه

.....	۱۲۱	مقدمه
.....	۱۲۲	الف - بسیج انقلابیون در انقلاب مشروطه
.....	۱۲۴	ب - بسیج منابع در حرم عید العظیم (ع)
.....	۱۳۷	پ - منابع بسیج شونده در انقلاب مشروطه
.....	۱۳۷	۱- منابع اجبار آمیز
.....	۱۳۹	۲- منابع فایده مندانه
.....	۱۴۷	۳- منابع هنجاری (وفاداری ها و تکالیف)
.....	۱۴۹	ج - انواع بسیج در انقلاب مشروطه
.....	۱۵۰	۱- بسیج تدافعی در انقلاب مشروطه
.....	۱۵۳	۲- بسیج تهاجمی در انقلاب مشروطه
.....	۱۶۰	۳- بسیج تدارکی در انقلاب مشروطه

فصل پنجم: سرکوب/تسهیل، قدرت و فرصت/تهدید در انقلاب مشروطه

.....	۱۶۱	مقدمه
.....	۱۶۱	الف - سرکوب/تسهیل در انقلاب مشروطه
.....	۱۶۲	ب - مجموعه اقدامات سرکوب گرایانه دولت در مقابل انقلابیون در انقلاب مشروطه
.....	۱۷۲	پ - تسهیل در انقلاب مشروطه
.....	۱۷۲	۱- اقدامات تسهیل گر مظفرالدین شاه
.....	۱۷۳	۲- اقدامات حمایتی برخی از رجال حکومتی و غیرحکومتی

- ۱-۲- اقدامات حمایتی رجال حکومتی ۱۷۳
- ۱-۲-۱- اقدامات تسهیل‌گر محمد علی میرزا ولیعهد ۱۷۴
- ۲-۱-۲- اقدامات تسهیل‌گر برخی از شاهزادگان، درباریان و خویشاوندان سلطنتی ۱۷۵
- ۲-۲- رجال غیرحکومتی ۱۷۶
- ۳- اقدامات تسهیل‌گر سفارت خانه‌های خارجی ۱۷۷
- ت- تحلیل وضعیت قدرت در انقلاب مشروطه ۱۷۸
- ۱- وضعیت قدرت حکومت قاجار در انقلاب مشروطه ۱۷۹
- ۲- وضعیت قدرت گروه‌های انقلابی در انقلاب مشروطه ۱۸۴
- ۳- وضعیت قدرت روحانیت در انقلاب مشروطه ۱۸۴
- ۴- وضعیت قدرت تجار در انقلاب مشروطه ۱۸۶
- ۵- وضعیت قدرت روشنفکران در انقلاب مشروطه ۱۸۷
- د- تحلیل وضعیت فرصت/ تهدید در انقلاب مشروطه ۱۹۰

فصل ششم: کنش جمعی در انقلاب مشروطه

- مقدمه ۲۰۳
- الف- برآورد حجم کنش جمعی در انقلاب مشروطه ۲۰۴
- ب- شکل‌های کنش جمعی در انقلاب مشروطه ۲۱۲
- ۱- کنش جمعی رقابتی در انقلاب مشروطه ۲۱۴
- ۲- کنش جمعی واکنشی در انقلاب مشروطه ۲۱۵
- ۳- کنش جمعی ابتکاری در انقلاب مشروطه ۲۱۶
- نتیجه‌گیری ۲۲۳
- فهرست منابع ۲۳۱

نوشتار حاضر با استفاده از نظریه بسیج منابع چارلز تیلی به شناسایی فرآیند بسیج‌گری در انقلاب مشروطه پرداخته است. سوال اصلی آن است که فرآیند بسیج‌گری در انقلاب مشروطه به چه نحو بوده است. برای پاسخ به این سؤال است که قلمروی زمانی مابین ۲۲ آذر ۱۲۸۴ تا ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ با استفاده از عناصر اصلی نظریه بسیج منابع چارلز تیلی مورد بحث قرار گرفته است. به این ترتیب روش این پژوهش قیاسی است. روش شناسی قیاسی نظریه‌ای را برای بررسی پدیده‌ای خاص در نظر می‌گیرد، فرضیات مناسبی را استخراج می‌کند که در اساس ابطال پذیرند، و این فرضیات را به آزمون می‌گذارد تا اعتبار تبیین اولیه خود را تعیین کند. در این نوشتار نیز برای آزمون فرضیه‌های استخراج شده از نظریه چارلز تیلی، از اسناد و مدارک تاریخی استفاده شده است. بنابراین روش دیگر بکار گرفته شده در این نوشتار، روش تاریخی است.

همانطور که می‌دانیم با قوت گرفتن روش کمی در میان پژوهشگران علوم اجتماعی، روش‌های تاریخی به فراموشی سپرده شد و تنها با آثار برینگتون مور، تدا اسکاچپول، و چارلز تیلی بود که تحقیقات تاریخی دوباره به روش‌هایی متداول در مطالعات اجتماعی تبدیل شدند. در این مقدمه ابتدا شرح موجزی از نظریه چارلز تیلی داده می‌شود؛ و سپس چگونگی استفاده این نوشتار از نظریه در انقلاب مشروطه ایران شرح داده می‌شود.

تیلی خواهان فهم عمل جمعی انسان‌ها به طور کلی است. "خشونت جمعی" از نظر تیلی یکی از جنبه‌های مهم مطالعه عمل جمعی است. از یک دیدگاه نظریه‌های سیاسی انقلاب، که اصولاً انقلاب را پدیده‌ای سیاسی می‌دانند و به فرآیندهای سیاسی اصلی جامعه توجه دارند، از دو رهیافت کارکرد گرا و تعارض سیاسی متأثرند. تیلی در گروه نظریه پردازان تعارض سیاسی قرار می‌گیرد. استدلال اصلی این دو رهیافت چنین است:

۱- رهیافت کارکردگرایی سیاسی: در این رهیافت، ثبات جامعه سیاسی منوط به توافق میان اعضای آن، در مورد با ارزش و مفید بودن نظام سیاسی موجود است که این

نیز به نوبه خود مستلزم کارکردهای مناسب آن می‌باشد. در غیر اینصورت بی‌سامانی و بی‌ثباتی سیاسی بوجود می‌آید؛

۲- رهیافت تعارض سیاسی: در این رهیافت، جامعه به عنوان عرصه‌ای برای مبارزه و رقابت میان گروه‌هایی تلقی می‌شود که خواهان نیل به قدرت هستند. نتیجه این رقابت را نیز موازنه منابعی که هر گروه در دسترس دارد تعیین می‌کند.

تیلی انقلاب‌ها را ذیل عنوان "خشونت جمعی" بررسی می‌کند. او در کتاب "قرن شورش"، از سه نوع عمل جمعی اعتراضی در تاریخ جوامع اروپایی نام می‌برد:

۱- عمل جمعی اعتراضی رقابتی (Competitive): این عمل زمانی صورت می‌گیرد که منابعی که مورد ادعای یک گروه است، همزمان مورد ادعای گروه‌های دیگر نیز هست.

۲- عمل جمعی اعتراضی واکنشی (Reactive): این عمل در واکنش به اقداماتی صورت می‌گیرد که از نظر یک گروه به منزله پامال شدن حقوقشان در نظر گرفته می‌شود. مانند شورش‌های مالیاتی و شورش‌های علیه گرانی نان؛

۳- عمل جمعی اعتراضی نوخواهی (Proactive): ادعاهایی از سوی یک گروه مطرح شود که قبلاً مطرح نبوده است. مانند مشروطه خواهی.

الگوی تیلی در کتاب "از بسیج تا انقلاب" برای مطالعه کش متقابل میان گروه‌های مختلف و چگونگی شکل‌گیری عمل جمعی در بین گروه‌های ناراضی، الگوی جامعه سیاسی (Polity Model) نام دارد که شامل اجزاء زیر است:

۱- جمعیت (Population) گروهی از مردم با ساختاری مشترک و عقایدی مشترک؛
۲- یک یا دو گروه مدعی (Contenders): گروه‌هایی که در دوره‌های خاصی منابع جمعی خود را در جهت نفوذ بر دولت به کار می‌برند؛

۳- حوزه سیاسی یا حکومت (Government): سازمانی است که ابزارهای اصلی کنترل اجبار را در ارتباط با جمعیت خاصی در دست خود متمرکز کرده است؛

۴- یک یا چند ائتلاف میان نیروهای مختلف (Coalition): ائتلاف توافق ویژه‌ای است که گروه‌های مدعی در یک مقطع زمانی برای دستیابی به منافع و منابعی بین خود صورت می‌دهند.

مدعیان خود به دو دسته تقسیم می‌شوند:

- ۱- مدعیان عضو (Member Contenders): مدعیان عضو، عضو دستگاه سیاسی هستند و دسترسی بی دردسر و کم هزینه به قدرت حاکم و منابع دولتی دارند؛
- ۲- چالشگران (Challengers): چالشگران کاملاً بیرون از دستگاه سیاسی قرار دارند و دستیابی به منابع تحت سلطه دولت به سهولت برایشان مقدور نیست.

مدعیان (اعم از گروه‌های عضو و چالشگران) برای پیشبرد خواسته‌های خود دست به ائتلاف با سایر گروه‌ها می‌زنند و سعی می‌کنند تا عمل جمعی خود را با سایر متحدین بالقوه هماهنگ سازند.

الگوی دوم نیلی برای توضیح عمل جمعی، الگوی بسیج (Mobilization Model) است. این الگو به منظور تبیین رفتار هر یک از گروه‌های مدعی به طور جداگانه طراحی شده است. متغیرهای این الگو که در باره هر گروه مدعی به طور جداگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند عبارتند از:

- ۱- منافع: امتیازها و دستاوردهای مشترکی که در نتیجه کنش متقابل یک جمعیت با جمعیت دیگر عاید اعضای آن جمعیت می‌شود؛
- ۲- سازمان: هر چه اعضای گروه از هویتی یکپارچه‌تر برخوردار باشند و ساختارهایی که آنان را متحد می‌کند مستحکم‌تر باشند، آن گروه سازمان یافته‌تر محسوب می‌شوند؛

- ۳- بسیج منابع: کوشش برای دستیابی به هر نوع منبعی که گروه مدعی برای پیشبرد عمل جمعی خود ضروری بداند؛

- ۴- عمل جمعی (یا کنش گروهی): عمل مشترک یک گروه مدعی در پی دستیابی به اهداف مشترک عمل جمعی خوانده می‌شود؛

- ۵- فرصت / تهدید: فرصت رابطه بین جمعیت و محیط را تعریف میکند.

نیلی خشونت را به این نحو تبیین می‌کند که قبل از انقلاب، سازمان‌های سیاسی در جمعیت محروم رشد کرده است و اعتراضات این سازمان‌ها با سرکوب رژیم مواجه شده‌اند و پس از آن تشکل‌های سیاسی جدید کوشیده‌اند به قدرت برسند و از خشونت به عنوان ابزار تاکتیکی و استراتژیک برای نیل به هدف خود استفاده کنند. پس انقلاب

متضمن خشونت سیاسی هدفمند، سازمان یافته و داوطلبانه از سوی گروه‌های محروم ناراضی علیه حکومت است. عوامل تبیین کننده خشونت عبارتند از:

۱- تسهیلات: که شامل تشکیلات و سایر منابع موجود برای جنبش‌های انقلابی است؛

۲- پتانسیل قهر و تلاش رژیم برای سرکوب تشکیلات جدید سیاسی؛

۳- محرومیت ناشی از فقدان قدرت سیاسی که تیلی آن را بر خلاف تد رابرت گر مستقیماً و نه از طریق فرآیندهای روانشناختی به خشونت سیاسی مربوط می‌کند.

تیلی ویژگی اصلی وضعیت انقلابی را حاکمیت چندگانه (Multiple Sovereignty) می‌داند. این وضعیت می‌تواند در اثر خشونت‌های گروهی تدریجی و یا ناگهانی پدید آید. وضعیت انقلابی وضعیتی است که در آن بیشتر از یک مدعی حاکمیت کنترل مؤثر بر بخشی مهم از دستگاه دولت را دارد.

نظر تیلی در باره آغاز و پایان وضعیت انقلابی آن است که وضعیت انقلابی هنگامی آغاز می‌شود که پولیتی حاکم، آماج دعاوی رقیب مؤثر دو یا چند پولیتی مشخص می‌شود و وقتی پایان می‌یابد که پولیتی واحدی حاکم شود و کنترل حکومت را به دست آورد. در چهار نوع وضعیت امکان تعدد پولیتی‌ها وجود دارد:

۱- اعضای یک پولیتی بکوشند پولیتی دیگری را که قبلاً موجودیتی متمایز داشته فرودست خود سازند؛

۲- اعضای پولیتی فرودست سابق (مثلاً گروهی از رقبای صاحبان قدرت در یک حکومت منطقه‌ای) ادعای حاکمیت کنند؛

۳- رقبایی که قبلاً عضو پولیتی موجود نبوده اند، با بسیج موفقیت آمیزی بتوانند بر بخشی از دستگاه حکومتی کنترل یابند؛

۴- تجزیه پولیتی موجود به دو یا چند بلوک که هر یک بر بخشی از حکومت کنترل دارد.

شرایط سه گانه زیر (علل کوتاه مدت یا نزدیک انقلاب) سبب بروز پدیده حاکمیت چند گانه می‌شود:

۱- مدعیان یا ائتلاف‌های مدعی جدید در صحنه سیاسی ظاهر می‌شوند و سعی می‌کنند ادعای جداگانه خود مبنی بر تسلط بر دستگاه حکومتی جامعه تحقق ببخشند؛

۲- بخش قابل توجهی از جمعیت به ادعای مطروحه از سوی این گروه‌ها ملتزم شوند به رغم ممنوعیت‌ها و تهدیدهایی که متوجه آنهاست؛

۳- کارگزاران دولت حاضر به سرکوب مدعیان جدید قدرت نمی‌شوند یا اصولاً در سرکوب مدعیان ناتوان می‌مانند.

علت بلند مدت بروز شرایط انقلابی، ناتوانی حکومت و اعضای پولیتی در جذب قشرهای جدید یا ارائه ساز و کارهای جبرانی برای گروه‌های بازنده است. تیلی می‌گوید سه علتی که عامل تحقق وضعیت انقلابی (پدیده چند حاکمیتی) بودند، الزاماً عامل تحقق پیامد انقلابی نیستند، بنابراین او بین وضعیت انقلابی و پیامد انقلابی فرق می‌گذارد. او پیامد انقلابی را تنها شکلی از جایگزینی یک مجموعه از صاحبان قدرت با گروه دیگر می‌داند (قدرت می‌تواند به مفهوم "قدرت بر روی ابزار تولید" یا "قدرت نسبت به نمادهای ارزشی" یا "قدرت نسبت به دولت‌ها" باشد).

تیلی انواع جابجایی قدرت را تحت عناوین زیر جای می‌دهد:

۱- انقلاب کامل و تمام عیار (Full Scale Revolution) هنگامی اتفاق می‌افتد که اختلاف و تفرقه زیاد میان مخالفین و مقامات حکومت با جابجایی وسیع قدرت همراه می‌شود؛

۲- جنگ داخلی (Civil War): دو دستگی و انشقاق در موقعیت انقلابی (بسته به میزان شدت آن از ملایم تا زیاد) همراه با انتقال ملایم یا شدید قدرت می‌شود؛

۳- قیام و شورش (Insurrection) نیز بسته به میزان شدت دو دستگی و انشقاق ملایم یا شدید در وضعیت انقلابی، منجر به انتقال قدرت به صورت آرام و یا به صورتی ملایم و غیر شدید می‌شود؛

۴- کودتا (Coups): دو دستگی و انشقاق (کم تا متوسطی در جامعه) منجر به جابجایی آرام تا متوسط قدرت در جامعه می‌شود؛

۵- انقلاب عظیم (Great Revolution)؛

۶- انقلاب آرام (Silent Revolution).

تیلی علل کوتاه مدت انتقال قدرت را شامل موارد زیر می‌داند:

۱- وجود وضعیت انقلابی یا حاکمیت چند گانه: هر قدر وضعیت انقلابی (شکاف میان پولیتی موجود و ائتلاف بدیل) پر هزینه‌تر باشد، احتمال انتقال قدرت بیشتر است؛

۲- ائتلاف انقلابی میان چالشگران و اعضای پولیتی: اگر هیچ ائتلافی بین چالشگران و اعضای پولیتی نباشد، احتمال توفیق ائتلاف انقلابی کمتر می‌شود؛ اگر ائتلاف انقلابی خیلی گسترده باشد، مصالحه پیش می‌آید، اما انتقال وسیع قدرت هنگامی است که حداقل ائتلاف با اعضای موجود پولیتی باشد؛

۳- کنترل ابزار اجبار از سوی ائتلاف انقلابی: حداقل، عدم وفاداری بخشی از نیروهای مسلح به حکومت قبل از پایان شورش لازم است.

مهم‌ترین اشکال نظریه تیلی توتولوژیک بودن استدلالش در زمینه علت وقوع انقلاب است. به عبارت دیگر او علت وضعیت انقلابی را از تعریف آن استنتاج می‌کند که به معنای اشتباه گرفتن علل با خود رویداد است. یعنی او وضعیت انقلابی را وضعیتی توصیف می‌کند که در آن دو یا چند حاکمیت پدیدار می‌شود، و در عین حال علت پیدایی وضعیت انقلابی را ظهور حاکمیت‌های دوگانه یا چندگانه می‌داند.

این نوشتار چون به توضیح چگونگی فرآیند بسیج در انقلاب مشروطه پرداخته است، تنها از الگوی بسیج چارلز تیلی استفاده کرده و به الگوی جامعه سیاسی وی نپرداخته است. به این ترتیب فصول مختلف این نوشتار به بحث در باره منافع گروه‌های بسیج شونده و بسیج کننده، سازمان‌های انقلابی، منابع بسیج، انواع کنش‌های جمعی، و بحث فرصت - تهدید در انقلاب مشروطه پرداخته است. در این نوشتار تلاش شده است تا تاریخ ایران در دوره مشروطه مورد واکاوی قرار گرفته و به خصوص به نقش سه نیروی اجتماعی روحانیون، روشنفکران و بازاریان در بسیج مردمی انقلاب مشروطه پرداخته شود و عناصر نظریه تیلی شامل عناصر پیش گفته در مورد آنان انطباق داده شود. البته نقش این سه نیروی اجتماعی نه تنها در انقلاب مشروطه، که در سایر جنبش‌های اجتماعی پس از آن (نهضت ملی نفت، قیام پانزدهم خرداد و انقلاب اسلامی) قابل ردیابی است.

تامل در این جنبش‌ها و عوامل موثر در آنها ما را به این نتیجه می‌رساند که هر گاه این سه نیروی اجتماعی با یکدیگر ائتلاف کرده اند، جنبش‌ها به پیروزی رسیده‌اند و هر گاه این ائتلاف‌ها به نحوی از هم پاشیده شده اند، جنبش‌ها شکست خورده‌اند.

در جنبش مشروطه روحانیون طراز اولی همچون آخوند خراسانی، سید عبدالله بهبهانی، سید محمد طباطبایی و شیخ فضل الله نوری (که البته این آخری فقط در آغاز

انقلاب مشروطه) از جنبش حمایت کردند و در اعتراض به روند فزاینده استبداد شاهی دو هجرت صغری و کبری را رهبری کردند. منور الفکرهایی همچون ملکم خان، طالبوف، تقی زاده، و غیره نیز ایدئولوژی‌های غربی همچون مشروطه خواهی، آزادی خواهی، قانون خواهی را با زبانی بومی و عامی برای مردم قابل فهم کرده و هماهنگ با روحانیون در بسیج مردمی نقش ایفاء کردند. طبقه بازاری نیز به عنوان طبقه مسلط اقتصادی حمایت‌های گسترده‌ای از جنبش به عمل آورد به طوری که برخی از پژوهشگران انقلاب مشروطه را انقلابی بورژوازی می‌دانند؛ یعنی انقلابی که طبقه بورژوا یا سرمایه دار تجاری آن زمان (یعنی بازاری‌ها) در آن نقش پیش‌تاز داشته‌اند. عقیده بر آن است که ائتلاف این سه نیروی مهم در ایران عصر مشروطه، منجر به پیروزی انقلاب شد و هنگامی که مشروطه خواهان سر مست از پیروزی، دچار اختلاف و تشتت شدند و به جان هم افتادند، شکست جنبش رقم خورد. اول از همه بین روحانیون اختلاف و دو دستیگی ایجاد شد و عده‌ای طرفدار مشروطه و عده‌ای هوادار مشروعه شدند. منور الفکرها نیز به دو دسته اعتدالی و افراطی (دموکرات) تقسیم شده و با یکدیگر به دشمنی پرداختند. بازاریان نیز بین این نیروهای فکری سرگردان شدند و هر یک به گروهی متمایل گشتند. در نهایت اختلاف بین نیروهای داخل جنبش به همراه دخالت عوامل خارجی موجبات شکست جنبش مشروطه و روی کار آمدن حکومت استبدادی رضاخان را فراهم آورد.

در جنبش ملی نفت نیز وضع به همین منوال بود. مهم‌ترین جریانی که در ملی شدن نفت نقش ایفا کرد، دو جریان ملی و مذهبی بود که از احزاب و گروه‌های مختلفی با گرایش‌های نسبتاً متفاوت تشکیل شده بود و زیر عنوان جبهه ملی فعالیت می‌کردند. این جبهه شامل حزب ایران، حزب زحمتکشان، نیروی سوم، حزب پان ایرانیست، جامعه مسلمانان مجاهد و حزب مردم ایران بود. آیت الله کاشانی (که عضو جبهه ملی نبود) رهبری جریان مذهبی را بر عهده داشت و در بسیج مردمی به نفع جنبش نقش اساسی بر عهده داشت. فداییان اسلام نیز که جزو جریان مذهبی بودند، گروهی اندکی بودند که با انجام ترورهای استرژیک خود در جنبش نقش مهمی را ایفاء کردند. علاوه بر جبهه ملی، سازمانها و طبقه‌های خارج از جبهه ملی نیز در جنبش حضور داشتند. حزب توده در میان روشنفکران چپ و طبقه کارگر از حمایت گسترده بر خوردار بود.

بازار شامل پیشه وران مغازه داران و بازرگانان در مجموع یکی از سرچشمه‌های قدرت مصدق محسوب می‌شد. چاقوکشان و لوطیان حاشیه شهری در دو طرف مبارزه حضور داشتند، هر چند در نهایت جانب در بار را گرفتند.

اتحاد طرفداران ملی کردن نفت اصولاً به دلیل یک عامل نسبتاً منفی صورت گرفت که عبارت بود از ناکامی از وضع موجود در جامعه و حکومت. نتیجه این اتحاد پیروزی جنبش نفت و نخست وزیری مصدق بود. اما به محض این که نهضت نفت، رنگ و جلای ناسیونالیستی به خود گرفت، انگیزه‌ی قدرت طلبی شدت یافت و امید تسلط بر منابع مادی کشور به صورت یک وسوسه نیرومند در آمد. از طرف دیگر مصدق در مبارزه پیچیده بر سر ماهیت دولت ناچار بود با عناصر محافظه کار و دیرینه و نیز با نیروهای پراکنده درون و بیرون ائتلاف مردم گرایانه خویش بجنگد. حفظ موازنه بسیار دشوار و ظریف بود. مصدق می‌خواست کانون قدرت را از شاه و مجلس سنا و ارتش به کابینه و دفتر نخست وزیری خود منتقل نماید؛ اما این تلاش‌ها با مخالفت‌های گسترده‌ای در داخل طیف جبهه ملی و در خارج آن مواجه شد. برخی از اقدامات مصدق باعث شد که طرفداران وی به خصوص جناح مذهبی به رهبری آیت الله کاشانی و بازاریان حامی وی دور وی را خالی کنند. به طوری که در مقابل کودتای ۲۸ مرداد نیروی عمده‌ای که بتواند جلوی کودتاچیان را بگیرد وجود نداشت. به این ترتیب یک بار دیگر شکست ائتلاف میان سه نیروی روشنفکری، مذهبی و بازاری جنبش مردمی را در ایران با شکست مواجه کرد.

درباره قیام پانزده خرداد نیز می‌توان چنین تحلیلی را ارائه کرد. رژیم به این علت توانست قیام را سرکوب نماید که روشنفکران در حلقه مدافعین از قیام غایب بودند. رهبری قیام را روحانیت در دست داشت و بازاریان نیز از قیام حمایت وسیعی کردند. اما روشنفکران نقش مهمی را در جنبش ایفا نکردند.

در مورد انقلاب اسلامی نیز، شاهد یک ائتلاف بسیار مهم بین این سه نیروی استراتژیک بودیم با این تفاوت که برخلاف انقلاب مشروطه و جنبش نفت، روحانیت رهبری ایدئولوژیک انقلاب را در دست داشت و ایدئولوژی انقلاب نیز ایدئولوژی اسلام شیعی بود. بار دیگر ائتلاف میان سه نیروی مذهبی، روشنفکری و بازاری کارساز شد و رژیم شاهی علیرغم سرکوب‌های خود نتوانست جلوی پیروزی انقلاب را بگیرد.

اما نکته مهم در باره انقلاب اسلامی آن است که علیرغم جدا شدن طیف‌هایی از روشنفکران از جناح حامیان انقلاب، انقلاب با شکست مواجه نشد و همچنان به روند خود ادامه می‌دهد.

در این نوشتار به نقش نیروهای اجتماعی در روند بسیج انقلاب مشروطه بر اساس الگوی بسیج چارلز تیلی پرداخته می‌شود و در این میان منافع، مطالبات، سازماندهی، کنش‌ها، اقدامات، فرصت‌ها، تهدیدها و انواع الگوهای بسیج‌گری آنها (بسیج تدافعی، بسیج تهاجمی و بسیج تدارکی) بررسی می‌شود.

ضمناً یاد آوری می‌شود این پژوهش پایان نامه کارشناسی ارشد آقای احسان فرهادی در رشته جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد به راهنمایی دکتر عباس کشاورز شکری است.